

بیانیهٔ اساسی که از سوی محترم عبدالله احمد بداوی صدر اعظم مالیزیا
در کنفرانس فراهم سازی فضای مناسب در کابل، افغانستان روز 4 جون
2007

از طریق ویدیو-کنفرانس ایراد گردید

جلالتمآب حامد کرزی
رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان،

جلالتمآب شهزاده کریم آغا خان
بنیانگذار و رئیس شبکهٔ انکشافی آغا خان،

وزرای محترم،

جلالتمآب تام کوپینگ
نمایندهٔ خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان،

جلالتمآبان، مهمانان عالیقدر، خانم ها و آقایان،

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

جناب رئیس جمهور سلام های من و مردم مالیزیا را پذیرا شوید.

واقعاً برای من جای افتخار است که به من فرصت داده شده تا با شما صحبت نموده و در جمع
کنفرانس باشم، گر چه من با شما در کابل نیستم. با استفاده از پیشرفت های تکنیکی می توانیم از
هم دور بوده ولی با هم بسیار نزدیک باشیم. بسیار متاسفم که نتوانستم شخصاً در این کنفرانس
شرکت کنم.

جناب رئیس جمهور حامد کرزی می خواهم شما را به خاطر رهبری پویای تان در افغانستان
تبریک بگویم، مخصوصاً به خاطر طرح برنامه صلح تان در این شرایط بسیار دشوار و خطرات
دیگر روزانه

همچنین می خواهم از جلالتمآب آغا خان به خاطر تلاش های خستگی نا پذیر و دوامدار شان در
تدویر این گرد همایی تشکر کنم. او با ما در مالیزیا ملاقات داشت و تلاش می کرد تا تمام مردمانی
را که اراده نیک دارند، به انجام کاری در افغانستان تشویق نماید. روح من با شماست، گر چه
جسماً با شما نیستم.

همچنین من باید از نقش مهم بانک انکشاف آسیایی، یو ان پی و بانک جهانی که همکاری شان تدویر این کنفرانس امروزه را ممکن ساخت یاد آور شوم.

بیانید آرزو کنیم که این کنفرانس اهداف مطلوب خود را بدست بیاورد، که عبارت اند از پیدا کردن راه و امکانات ایجاد محیط توانبخش برای سهمگیری موثر بخش خصوصی در انکشاف افغانستان .

جلالتمآبان، خانم ها و آغایان،

ما همه آگاه هستیم که تا امنیت سرتاسری در کشور ایجاد نشود، تطبیق پروژه های انکشاف اجتماعی و اقتصادی مشکل خواهد بود. اما من امید وارم که پروژه ها و برنامه هایی که قبلاً وجود دارند تخریب نگردیده و سبب ضایع شدن تلاش های گذشته نشود.

ما از همکاری در ساحه امنیتی از سوی ملل متحد، آیساف و آژانس های دیگر بین المللی قدر دانی می کنیم.

اما امنیت تا آن وقت دوامدار نخواهد بود که نتوانیم دل و دماغ مردم را از خود نکرده و اعتماد و باور آنها را که صلح را نگهدارند یا آن را می شکنند، جلب نموده باشیم.

همچنین ما باید این واقعیت را بپذیریم که در نهایت این مردم افغانستان اند که باید روی شان حساب کرد و آنها باید آینده خود و کشور شان را تعیین کنند.

خانم ها و آغایان،

در بحث روی موضوع فراهم سازی فضای مناسب در افغانستان من به دو دلیل روی تجارب مالیزیا تاکید می کنم. اول اینکه داستان دولت سازی ای است که من در مورد آن معلومات زیاد دارم، دوم اینکه بررسی قضیه مالیزیا با افغانستان رابطه دارد، زیرا مشابهت های زیادی میان مالیزیا و افغانستان وجود دارد.

افغانستان می تواند از تجارب مالیزیا استفاده کند البته در جاهاییکه که برای آن کشور بیشتر مناسب باشد.

مالیزیا مثل افغانستان یک کشور اسلامی است، اما برخلاف افغانستان ما یک تعداد قابل ملاحظه غیر مسلمان را در کشور خود داریم. مانند افغانستان نفوس مالیزیا از نگاه قومی متنوع است، ما من به صداقت می گویم که ما توانسته ایم وحدت ملی را بدست بیاوریم. امسال، سال 2007، ما پنجاهمین سال استقلال، ثبات و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی خود را جشن می گیریم.

این واقعیت که تقریباً همه مردم افغانستان مسلمان اند کار ایجاد وحدت ملی را نسبت به مالیزیا ساده تر می سازد. اسلام جنگ میان ادیان و مردمان را تائید نمی کند. دین اسلام جنگ میان مسلمانان را تقبیح می نماید.

اگر رازی برای موفقیت داستان مالیزیا وجود داشته باشد، آن عبارت است از کامیابی ما در ایجاد وحدت ملی میان مردمان با تفاوت های زیاد. ما راهی به جز مراعات اصول احترام متقابل و پذیرش همدیگر نداشتیم. ما این کار ضروری ملی را از طریق ایجاد سیستم مشارکت در حکومت انجام دادیم. تصامیم به شکل متفقه گرفته می شود. این یکی از خصوصیت های دیمو کراسی در مالیزیا است.

خانم ها و آقایان،

در عرصه اقتصاد یکی از تصامیم اساسی ای که از سوی حکومت مالیزیا در دهه 1980 اتخاذ شد عبارت بود از کم کردن هر چه بیشتر نقش حکومت در اداره بزنس بود. ما بخش خصوصی را به حیث ماشین توسعه پذیرفتیم، نه بخش عامه را. ما اقتصاد خود را باز نموده و موانع را از راه آن دور ساختیم.

البته بخش عامه باید مسئولیت خود را در پروسه عرضه مدیریت سالم کنار نگذارد و به خواست های بخش خصوصی باید واکنش مثبت نشان دهد. در مالیزیا ما به تدریج موانع اداری را از میان برداشتیم بدون اینکه تطبیق قانون و نظارت را نادیده بگیریم. در واقع حکومت من تا همین امروز متعهد به ارائه سیستم خدمات عامه با کیفیت عالی از نگاه فعالیت سود مند و بی عیب می باشد.

وجود یک سکتور عمومی سازگار با محیط کسب و کار برای تحرک بخشیدن به فعالیت های بخش خصوصی، بخشیدن نیرو به بخش خصوصی برای پائین نگهداشتن مصارف و حفظ قدرت تولید بالا ضروریست. این بهترین مشوق تولید ثروت بوده که پس انداز بیشتر و جلب بیشتر سرمایه را سبب می گردد.

ما میان بخش خصوصی و عامه در مالیزیا یک رابطه همکاری برقرار کرده و به آن نام "مالیزیای به هم پیوسته" داده ایم. تمام ملت به حیث یک شرکت بزرگ تصور شده که که بخش خصوصی و عامه بر آن مالکیت مشترک دارند. این کار سبب می شود تا هر دو بخش برای دست یابی به اهداف ملی باهم همکاری نزدیک داشته باشند.

برای این که نظریه "مالیزیای به هم پیوسته" را به کار ببندیم ما به ایجاد چندین میکانیزم و طرق کاری مشخص دست زدیم. این کار شامل از میان بردن موانع قانونی و اداری بیش از حد بزرگ، نهادینه سازی میکانیزم مشاوره میان بخش عامه و خصوصی، ایجاد برنامه های مشترک هوشیار میان بخش خصوصی و عامه، تعقیب پروسه خصوصی سازی و بهبود وضعیت سیستم عرضه می گردید.

با تقلیل بیروکراسی بخش خصوصی قادر گردید تا منفعت بیشتری کند که باز به شکل مالیات بیشتر به خزانه دولت برگشت نمود.

با استفاده از وسیله " مالیزیای به هم پیوسته " ما محیطی را ایجاد کردیم که در آن همکاری هوشیار میان دولت و بخش خصوصی داخلی و خارجی توسعه یافت.

خانم ها و آقایان،

پنجاه سال قبل مالیزیا فقط بزرگترین تولید کننده رابر و قلعی در جهان بود. امروز مالیزیا تولید کننده تیل خرما به سطح صنعتی در جهان بوده در بسا تولیدات فرآورده های صنعتی و خدماتی نقش رهبری کننده را دارد. سازمان تجارت جهانی در سال 2006 مالیزیا را نهمین کشور بزرگ تجارتي در سطح جهان خواند.

ما حاضریم تجارب مالیزیا را برای مطالعه در اختیار افغانستان قرار دهیم. افغانستان مانند مالیزیا می تواند از یک کشور وابسته به اقتصاد زراعتی به یک مرکز تولیدات صنعتی که در آن به نیروی کار زیاد نیاز است، تبدیل گردد و در نهایت به سطح تولیدات ای تکنالوژی پیشرفته، مهارت های بالا و با سرمایه گذاری مالی بزرگ داخل گردد.

چون زراعت بزرگترین سکتور ایجاد شغل در حال حاضر است، منطقی خواهد بود تا بهترین راه های احیای بخش زراعت مورد ارزیابی قرار گیرد البته با در نظر داشت تخریب و صدمه دیدن اکثریت زمین های زراعتی در نتیجه جنگ. افغانستان تا قبل از اشغال خارجی در سال 1979 در عرصه زراعت خود کفا بود. در واقع در یک وقت افغانستان بزرگترین صادر کننده کشمش در سطح جهان بود.

مالیزیا همکاری خود با افغانستان را توسعه بخشیده و تحت برنامه کمک تخنیکي مالیزیا (ام تی سی پی) برای افغان ها زمینه آموزش تخنیکي را مساعد خواهد ساخت. ما به برنامه های آموزشی ای توجه خواهیم کرد که سکتور زراعت در افغانستان را عصری بسازد.

مالیزیا در انکشاف شرکت های کوچک و متوسط تجربه زیاد دارد و حاضر است تجارب خود را با افغانستان شریک بسازد. برای افغانستان این کار ممکن است تا جای مناسبی برای خود در تجارت جهانی، مخصوصاً در تجارت قالین های دستباف پیدا کند.

ذخایر معدنی که تا اکنون مورد بهره برداری قرار نگرفته اند می تواند منبع بالقوه دیگر ثروت برای افغانستان باشد. به یک محیط توانبخش نیاز است تا سرمایه گذار های خارجی به سرمایه گذاری در بخش معادن تشویق گردند.

خانم ها و آقایان،

مدل انکشافی ای که توسط مالیزیا انتخاب گردیده است بر فلسفه توسعه و عدالت و یا به عبارته ساده تر توسعه با توزیع عادلانه ثروت استوار است. این چیز برای جامعه غیر همگون مثل مالیزیا ضرور می باشد.

ما در مالیزیا اسلام را وسیله ایجاد وحدت، به جای عامل تفرقه، در کشور که مردم آن از چند دین پیروی می کنند، ساخته ایم و این روش را اسلام تمدنی نامیده ایم. مهمترین اصل اسلام تمدنی گذشت در برابر مردمان ادیان دیگر است.

تعلیمات اسلامی بدون شک بنیاد و انگیزه همه کار های ما را تشکیل می دهد، اما فواید حاصله از آن به طور عادلانه در میان همه مالیزیایی های، مسلمان و غیر مسلمان، تقسیم می شود.

یک چالش بزرگ برای ما در مالیزیا این است تا از توزیع عادلانه ثروت کشور یقین حاصل شود زیرا تفاوت اقتصادی میان مردم وجود دارد. این چالش خاص مالیزیا نیست و یقین داریم که در مورد افغانستان نیز قابل تطبیق می باشد.

پلان پنجساله انکشافی ما یکجا با پالیسی اقتصادی جدید همه گیر ما برای ما رهنمودی برای توزیع ثروت در میان مردمان غیر متجانس کشور ما فراهم می کند تا از یک اقتصاد توسعه همه بهره مند گردند. ما می خواهیم فقر را از میان مالیزیایی ها بدون در نظر داشت نژاد آنها کم نموده و در نهایت از میان ببریم. ما همچنین می خواهیم جامعه مالیزیا را طوری باز سازی مجدد نماییم که تا به نابرابری های اقتصادی میان نژاد های مختلف خاتمه بخشیده در ابتدا رابطه میان فعالیت اقتصادی و نژادی را کم ساخته و در نهایت آن را از میان برداریم.

عالی جنابان، خانم ها و آقایان،

من به این باور نیستم که برای انکشاف اقتصادی قابل ملاحظه پلان مشرح قبلی یک از ضرورت های اساسی باشد. ما در اپریل سال گذشته در مالیزیا نهمین پلان مالیزیا را شروع کردیم. علاوه بر آن حکومت من سومین ماستر پلان صنعتی را طرح کرده که هدف از آن تقویه توان رقابتی مالیزیا در طویل المدت می باشد.

این یک واقعیت ساده است هر کشوری می خواهد انکشاف نماید باید سیاست ها و برنامه های درست داشته باشد. مناسب است اگر پلان های طویل المدت، درمیانه و قصیر المدت به شمول ستراتیژی سالانه بودجوی داشت. شاید به پلان مشخص برای یک مسئله خاص نیاز باشد، به شمول ماستر پلان سکتوری و صنعتی خاص.

می خواهم پیشنهاد کنم که یک برنامه انکشافی خود باید پروژه ای را برای از میان بردن امراض به حیث بخشی از تلاش برای فقر زدایی در خود داشته باشد.

ضرورت به یاد آوری نداریم که بر علاوه از امنیت فزیکتی، پروسه انکشاف اقتصادی تنها در محیط با ثبات سیاسی صورت گرفته می تواند. پروسه شریک سازی در قدرت برای مالیزیا مفید ثابت شده است. مالیزیا از زمان استقلالش در سال 1957 توسط حکومتی اداره شده که از ائتلاف گروه های سیاسی به نام جبهه ملی تشکیل گردیده است.

عالیجنابان، خانم ها و آقایان،

اگر چه من در مورد پروسه ملت سازی در مالیزیا با جزئیات صحبت نموده ام، می خواهم تاکید کنم که هیچ دو کشور از تمام زوایا با یکدیگر همسان نیستند. افغانستان باید پلان انکشافی بومی خود را خود بسازد.

پلانگذاران باید مردمان انعطاف پذیر و عملی باشند. پلان ها شاید به تغییر و تجدید نظر نیاز پیدا کنند تا به شرایط جدید مطابقت داشته باشند.

عالیجنابان، خانم ها و آقایان،

اهمیت بخش خصوصی پویا و قابل دوام را نباید دست کم گرفت. وقتی شما یک بخش خصوصی نیرومند و در حال توسعه داشته باشید، اقتصاد در ایجاد شغل و ایجاد پیوند با بخش های دیگر اقتصاد پایدار تر و توانمند تر خواهد بود.

به خاطر ایجاد یک محیط توانبخش برای سهمگیری موثر بخش خصوصی در انکشاف در افغانستان، نقش کشور های خارجی در تهیه کمک های اقتصادی تا یک زمان تعیین کننده خواهد بود. همین مطلب در مورد نقشی که توسط سازمان های انکشافی چند جانبه بازی می کنند، نظیر بانک انکشاف اسلامی، برنامه انکشاف ملل متحد و بانک جهانی نیز صدق می کند.

من به این موضوع باور محکم دارم که کلید اساسی برای پیروزی در هر کشور مربوط به شایستگی و توانمندی مردم آن کشور در ساحه ایجاد و ابداع است. در این محیط جهانی موجودیت سرمایه انسانی شایسته یک ضرورت مبرم است نه یک مسئله حاشیوی.

بالا تر از هر چیز دیگر می خواهم به صورت بی پرده بگویم که سرنوشت افغانستان دور یک عامل تعیین کننده می چرخد و آن عبارت است از خواست و تصمیم مردم افغانستان به خاطر پایان بخشیدن به وضعیت بی نظمی در کشور و برداشتن گام های جدید در جهت صلح و رفاه.

عالیجنابان، خانم ها و آقایان،

قبل از این که سخنان خود را به پایان برسانم، اجازه دهید بار دیگر مراتب امتنان خود را به جلالتمآب رئیس جمهور حامد کرزی به خاطر دادن فرصت به من تا جزیی از کنفرانس شما در کابل باشم، ابراز نمایم. همچنین از شبکه انکشافی آغاخان به خاطر آماده کردن زمینه اشتراک من در این ویدیو-کنفرانس تشکر می نمایم. از صمیم قلب برای کنفرانس آرزوی موفقیت می نمایم.

تشکر از شما